

چرا به قیام ایمان دارم!

از تَت استیوارت

اعتراض می‌کردند.

● گواهی قبر خالی: انجیل‌ها شهادت می‌دهند که قبر عیسی خالی بود. این قبر را مأموران رومی محافظت می‌کردند؛ اگر کسی جسد را می‌دزدید، مجازات این مأموران اعدام بود. قانع‌کننده‌ترین مدرکی که دشمنان عیسی می‌توانستند اقامه کنند تا اثبات نمایند که عیسی زنده نشده، نشان دادن جسد او می‌بود. اما ایشان نمی‌توانستند چنین کاری کنند، زیرا قبر او خالی بود؛ او زنده شده بود.

● گواهی کلیسا: ادامه حیات کلیسا در طول دو هزار سال گذشته، یکی از محکم‌ترین دلایل واقعیت قیام مسیح می‌باشد. کلیسا همواره مشارکت کسانی بوده که خداوند قیام کرده را دیده‌اند.

● گواهی رسولان دگرگون‌شده: پس از مرگ عیسی، شاگردان او دل‌شکسته و شکست‌خورده بودند. اما معجزه قیام قدرت داشت و دارد تا آنان و هر شاگرد این خداوند قیام کرده را دگرگون سازد. شاگردان شکست‌خورده عیسی تبدیل به شاهدان دلیری برای او شدند. این واقعیت که اکثر رسولان مسیح در راه خداوند خود شهید شدند، دلیل قانع‌کننده‌ای است بر این امر که زندگی‌شان به گونه‌ای دائمی تغییر کرده بود.

● گواهی امروز ایمانداران: من می‌دانم که عیسی زنده است چون خودم نیز با او ملاقات کرده‌ام. حدود سی سال پیش، زمانی که ناامید و دردمند در بیمارستانی روی تخت دراز کشیده بودم، به سوی عیسی فریاد برآوردم. او نزد من آمد و گناهام را برداشت و بدن کوفته مرا شفا داد و روحش را بر زندگی‌ام فرو ریخت. بله، من می‌دانم که نجات‌دهنده‌ای را خدمت می‌کنم که زنده است؛ و می‌دانم که شما نیز همان خداوند را خدمت می‌کنید.

پولس رسول می‌فرماید: «و اگر مسیح برنخاست، باطل است وعظ ما و باطل است نیز ایمان شما» (اول قرنتیان ۱۵: ۱۴). تمامی ادعاهای مسیح بر پایه حقیقت تاریخی قیامش استوار است. او از پیش اعلام داشت که دستگیر شده، به قتل خواهد رسید، و در روز سوم زنده خواهد شد. اگر قیام مسیح پایه ایمان ما را تشکیل می‌دهد، ضروری است بدانیم که شواهد بسیاری برای اثبات صحت تاریخی آن وجود دارد. باز به گفته پولس، اگر قیام مسیح یک واقعیت تاریخی نبود، «از جمیع مردم بدبخت‌تر» می‌بودیم (اول قرنتیان ۱۵: ۱۹). در اینجا شش دلیل ذکر می‌کنم که بر اساس آنها به قیام عیسی ایمان دارم.

● گواهی تاریخ: آنچه که ایمان مرا تقویت می‌کند، شهادتی است که در منابع خارج از کتابمقدس در مورد زنده شدن مسیح وجود دارد. به خاطر کمبود جا، در اینجا فقط به یک مورد اشاره می‌کنم. یوسفوس، مورخ قرن اول میلادی، می‌نویسد: «وقتی پیلاتس، پس از شنیدن اتهاماتی که از سوی بزرگان ما بر او وارد شده بود، او را محکوم به صلیب نمود، آنانی که از ابتدا دوستش می‌داشتند، عشق او را از دل بیرون نکردند. در روز سوم، او خود را زنده به ایشان ظاهر ساخت، زیرا انبیای خدا این امور، و نیز بسیار چیزهای خارق‌العاده دیگر در مورد او را پیشگویی کرده بودند.» اشارات متعددی که در نوشته‌های غیرمسیحی در خصوص زندگی بشری خداوند ما وجود دارد، باعث تشویق و دلگرمی ما می‌باشد.

● گواهی پولس رسول: پولس یکی از نخستین نویسندگان عهدجدید است؛ او رساله اول قرنتیان را در حدود سال ۵۵ میلادی نوشت. در این رساله، در باب ۱۵، آیه‌های ۳ تا ۸، او می‌گوید که بیش از ۵۰۰ نفر شاهد قیام مسیح بودند. بسیاری از این افراد در زمان او زنده و حاضر بودند و اگر گفته او درست نبود، قطعاً به او

سرسخن

پیامی به مناسبت عید قیام!

آن گاه که پرده تاریکی کنار می رفت و نخستین طلیعه بامدادی سیاهی شب را به عقب می راند، چند زن به سوی مکانی که بدن عیسی دفن شده بود، ره می سپردند. چهره شان اندوهگین، دلشان شکسته، و فکرشان در جستجوی پاسخی بود برای دردهایشان. استاد و یاورشان چهره در خاک کشیده بود.

هر چه به آرامگاه آن عزیز نزدیکتر می شدند، واقعیت سنگینی خود را در یک سؤال عملی نمودار می ساخت: «چه کسی سنگ درگاه مقبره را برای ما به کنار خواهد غلطاند؟» می دانستند که سنگی عظیم آرامگاه عیسی را محافظت می کرد و نیز می دانستند که حرکت دادن آن برای ایشان غیرممکن بود.

وقتی به محل رسیدند، دیدند که آن سنگ عظیم قبلاً به کناری غلطانده شده است. هر چه جلوتر می رفتند، دلشان تندتر می تپید. وقتی قدم در مقبره گذاشتند، نخستین کسانی بودند که پیام قیام را شنیدند! فرشته ای به ایشان گفت: «او برخاسته است!»

در عید قیام امسال، مسؤولین مجله **شبان** همراه با شما در این واقعیت شادی می کنند که همگی ما نجات دهنده زنده ای را خدمت می کنیم که تاریکی را کنار زده و آماده است کاری را انجام دهد که برای ما غیرممکن است. ما خداوندی را خدمت می کنیم که ما را از مرگ در گناه زنده ساخت و به مشارکتی نو با خدا رهنمون شد. او بر گناه و مرگ چیره شد و به واسطه ظفر صلیب، ما را بیش از حد نصرت بخشیده است. او ما را می خواند تا شاهدان زنده برای جلال و قدرتش باشیم.

در آن نخستین عید قیام، آن زنان نگران مشکلی بودند که خدا از پیش بر طرف ساخته بود. پس دل قوی داریم! آنچه که در این روزها نگرانش هستیم، خدا قبلاً به فکرش بوده و آن را بر طرف کرده است.

او برخاسته است!

تت استیوارت

سر دبیر

مطالب این شماره:

- چرا به قیام ایمان دارم
(تت استیوارت) ص ۱
- مفهوم عید قیام
(فریرز نیکوروش) ص ۳
- کلیسای هدفمند
(سارو خاچیکیان) ص ۴
- خادم و تفسیر کتاب مقدس
(آرمان رشدی) ص ۵
- آماده شدن برای تعمید
(ایرج همتی) ص ۶
- طرح کلی برای تهیه موعظه
(تت استیوارت) ص ۷

مجله شبان

مدیر و سردبیر:

کشیش تت استیوارت

دفتر مجله:

TALIM MINISTRIES, Inc.
1740 S. Buckley Rd,
#6-265
Aurora, Colorado 80017
U.S.A.

Tel: +1-303-873 66 11
Fax: +1-303-873 62 16

شبانان و خادمینی که این مجله را دریافت می دارند، می توانند نام و نشانی سایر خادمینی را که این مجله به دستشان نمی رسد، به دفتر مجله بفرستند تا مجله برای ایشان نیز ارسال گردد.

مفهوم عید قیام!

از کشیش فریبرز نیکوروش

خانه‌ای که علامت خون بره را بر سر در خود داشت، «گذشت.» از این سبب است که در زبان انگلیسی، این عید بزرگ یهودیان Passover (یا عید عبور) نامیده می‌شود. قهرمان اصلی این داستان زیبا و حیرت‌انگیز، بزه است! به خاطر خون بزه بر چهارچوب در منزل افراد بود که آنها از آن بلای وحشتناک و مرگ رهایی می‌یافتند. خداوند به اسرائیل فرمان داد که هر سال این عید را به یادگاری آن نجات عظیم برگزار کنند.

بزرگترین قهرمان تاریخ!

در این هر دو ماجرا، قهرمان داستان، حیوانی نجیب و بی‌گناه است که قربانی می‌شود. ما سایه مسیح، این «بره خدا» را در این دو ماجرا می‌بینیم. آن قوچ فدا شد تا ابراهیم و فرزندش شاد و سلامت به خانه بازگردند. در شب فصیح نیز بره قربانی شد تا بنی‌اسرائیل از هلاکت جان سالم به‌در ببرند.

در روز جمعة الصلیب، عیسی، آن بزرگترین قهرمان تاریخ، فدا شد تا این بار نه تنها یک خانواده، و نه تنها یک ملت، بلکه تمامی جهان، هر که ایمان آورد، در صلح و سلامت به کاشانه ابدی روان شود.

اما بر خلاف آن قوچ و بره که دیگر به کاشانه خود باز نگشتند، آن بزرگترین قهرمان تاریخ، خداوند ما عیسی مسیح، در روز سوم از مردگان قیام کرد و بعد از چهل روز، به کاشانه ازلی خود، به آسمان، بازگشت. او با مرگ خود، بهای‌گناهان عالم را پرداخت؛ و با قیام خود از مردگان، امیدزندگی ابدی را به انسانها بخشید. عید قیام مسیح بر همه پیروان آن بزرگترین قهرمان تاریخ مبارک باد!

ساخت.» او می‌دانست که خدا کاری عظیم خواهد کرد. ایمان یعنی همین! شاید ابراهیم نمی‌دانست که در آینده چه اتفاقات خوب و یا بدی به وقوع خواهد پیوست، ولی می‌دانست که خدا صاحب و ناظر بر آینده است. در ادامه ماجرا می‌خوانیم که براستی خدا بزه‌ای برای ابراهیم فراهم نمود!

یکی از راههای درک هر داستان، توجه به قهرمانان و شخصیت‌های آن می‌باشد. در اینجا نیز لازم است که لحظه‌ای به قهرمانان و شخصیت‌های این ماجرا توجه کنیم. در آخر، همه به خانه‌های خود باز گشتند: فرشته خدا به آسمان بازگشت؛ ابراهیم و پسرش به منزل خود بازگشتند؛ خادمین ابراهیم و الاغشان نیز صحیح و سالم بازگشتند. تنها شخصیت داستان که برایش بازگشتی نبود، آن قوچ بود. او قهرمان این داستان بود؛ او جانش را فدا کرد تا همه سالم به کاشانه خود بازگردند! کاش قهرمان اصلی این ماجرا را فراموش نکنیم.

موسی و پسخ

قهرمان دوم را در کتاب خروج می‌یابیم. آخرین و سخت‌ترین بلایی که خدا بر فرعونیان نازل کرد، مرگ نخست‌زادگانشان بود. فرشته خداوند عبور می‌کرد و نخست‌زاده هر خانواده مصری را می‌کشت. اما بنی‌اسرائیل برای نجات از این بلا می‌بایست اقدام خاصی می‌کردند. در این مورد در کتاب خروج چنین می‌خوانیم: «و آن خون، علامتی برای شما خواهد بود، و چون خون را ببینم، از شما خواهم گذشت، ... و آن بلا برای هلاک شما بر شما نخواهد آمد.»

آن شب، فرشته خدا به مصر آمد و تمامی نخست‌زادگان مصری را هلاک کرد. ولی از هر

بهار و نوروز همیشه با یکی از مهم‌ترین جشنهای مسیحیت یعنی عید قیام همزمان می‌شود. هموطنان ایرانی ما این عید را به نام عید «پاک» نیز می‌شناسند، که کلمه فرانسوی برای «فصح» (Pasque) می‌باشد.

به‌منظور درک بهتر مفهوم مرگ و قیام مسیح، دو واقعه عهدعتیق، کمک بزرگی به ما می‌کنند. یکی ماجرای ابراهیم و قربانی کردن اسحاق است، و دیگری واقعه موسی و «پسخ».

ابراهیم و اسحاق

با ماجرای ابراهیم و قربانی کردن اسحاق، پسر وعده، همگی به‌خوبی آشنایی داریم. ابراهیم هم پسر پیری خود را به شدت دوست می‌داشت و هم خدا را. او مصمم بود که به هر قیمتی که شده از معبودش اطاعت کند. سه روز و سه شب راه رفتند تا به آن مکان دلهره‌آور رسیدند. در این سه روز و سه شب بر پیرمرد زاهد چه گذشت؟ همانطور که «سورن کرکگور»، فیلسوف و متفکر مسیحی دانمارکی در کتاب «ترس و لرز» می‌گوید، هیچ قلمی و هیچ زبانی را یارای وصف «ترس و لرز»، ابراهیم نیست. ولی ابراهیم اطاعت کرد! چرا؟ او وقتی به محل مقرر رسید، به خادمانش فرمود: «من و پسر بدانجا رویم و عبادت کرده، نزد شما باز آییم.» ابراهیم مصمم بود که خدای خود را اطاعت کند. ولی در عین حال از لطف و رحمت خدا نیز مطمئن بود؛ گویی به‌نوعی احساس می‌کرد که با پسرش باز خواهد گشت، نه بدون او.

وقتی مراسم قربانی نزدیک می‌شود، در پاسخ به سؤال اسحاق می‌فرماید: «ای پسر من، خدا بزه قربانی را برای خود مهیا خواهد

کلیسای هدفمند

از کشیش سارو خاچیکیان

سنجید.

کمیت اشاره به تعداد ایماندارانی دارد که کلیسا تولید می‌کند. چند نفر به مسیح ایمان می‌آورند، رشد می‌کنند و وارد خدمت می‌شوند؟

بطوری که می‌بینید، کمیت و کیفیت در تضاد باهم نیستند بلکه مکمل یکدیگرند. هر کلیسایی باید از هر دو برخوردار باشد. اگر کلیسا فقط به یکی نظر داشته باشد، سلامت خود را از دست خواهد داد.

برخی شبانان فکر می‌کنند هر چه کلیسا کوچکتر باشد، روحانی‌تر است. اگر این فرضیه درست باشد، پس کلیسای یک نفره باید روحانی‌ترین کلیساها باشد!

کلیسا باید هر چه بیشتر مردم را بسوی مسیح هدایت کند. تا در دنیا انسانهای گمراه و بیچاره هست، کلیسا باید به کمیت اهمیت دهد.

سومین عقیده غلط:

کلیساهای بزرگ با دنیا سازش می‌کنند

برخی معتقدند شبانانی که باگناهان مردم سازش می‌کنند و برضد گناه سخن نمی‌گویند، می‌توانند تعداد زیادی را جلب کلیسا کنند. ممکن است کلیساهایی باشند که این حالت را داشته باشند، اما همه کلیساهای بزرگ و در حال رشد، لزوماً سازشکار نیستند. عیسی مسیح می‌توانست تعداد زیادی را به خود جلب کند. چرا؟ چون سازشکار بود؟ خیر، چون او خبرخوش را بشارت می‌داد! کلیسای مسیح باید بتواند مانند او مردم را به خود جلب کند. فریسیان عیسی را تسلیم کردند چون تعداد بسیاری او را پیروی می‌کردند. (دنباله در ص ۸)

۴- خدمت گسترده و همه جانبه

۵- بشارت به عموم مردم

این پنج بُعد رامی توان در اعمال ۲: ۴۲-۴۷ به وضوح مشاهده کرد. ایمانداران اولیه در کلیسای اورشلیم با یکدیگر مشارکت و مصاحبت گرم داشتند، یکدیگر را در ایمان تقویت می‌کردند، پرستش و خدمت می‌کردند و به مردم بشارت می‌دادند. نتیجه چه شد؟ «خداوند هر روزه ناجیان را بر کلیسا می‌افزود» (آیه ۴۷). خدا سهم خود را وقتی انجام داد که نخست کلیسا وظیفه‌اش را انجام داده بود. پس ملاحظه می‌کنید که رشد کمی کلیسا بستگی مستقیم با پنج بُعد مذکور دارد.

کلیسای سالم طبیعتاً رشد خواهد کرد. کلیسا وقتی سالم است که بر اساس کتاب مقدس عمل می‌کند و بین ابعاد گوناگون آن توازن وجود دارد. اما این توازن بطور اتوماتیک بوجود نمی‌آید. باید هر از گاهی آن را ارزیابی کنیم و تغییرات و اصلاحات لازم را به عمل آوریم.

دومین عقیده غلط:

باید بین رشد کمی و کیفی کلیسا، یکی را برگزید

این طرز فکر باعث رکود رشد کلیساهای بیشماری شده است. مشکل اینجاست که برخی معنی کیفی و کمی را به درستی نمی‌دانند.

کیفی اشاره دارد به نوع ایماندارانی که کلیسا تولید می‌کند. آیا مردم واقعاً عوض می‌شوند و شبیه مسیح می‌گردند؟ آیا ایمانداران در کلام رشد می‌کنند؟ آیا در مسیح رشد می‌کنند؟ آیا استعدادها و عطایای روحانی خود را در جلسات و خدمت کلیسایی بکار می‌برند؟ آیا مرتب با دیگران درباره ایمان خود سخن می‌گویند؟ اینها برخی نکاتی هستند که می‌توان با آن کیفیت کلیسا را

چرا برخی کلیساهای دائم در حال رشدند و برخی دیگر سیر قهقراایی می‌پیمایند؟ رمز موفقیت کلیساهایی که رشد می‌کنند، در چیست؟ هر از گاهی شبانان چنین پرسشهایی را از خود می‌کنند. در این مقاله کوشش خواهیم کرد پاسخ این پرسشها را بدهیم.

عقاید غلط درباره کلیساهای در حال رشد

پیش از اینکه به شرح خصوصیات کلیساهای در حال رشد بپردازیم، لازم است ابتدا برخی عقاید غلط را که درباره این کلیساهای رواج دارد، بر شماریم و نفی کنیم.

نخستین عقیده غلط:

کلیسا نباید به کمیت نظر داشته باشد

کلیساهایی که تعداد اعضایش را کم مانده، اکثراً این ایراد را از کلیساهای بزرگ می‌گیرند که آنها فقط به فکر تعدادند. در حالی که تجربه نشان می‌دهد کلیساهایی از نظر کمی رشد می‌کنند که دید بشارتی دارند و به فکر نجات مردمند. اگر شما درباره نیاز مردم وعظ بکنید و خبر خوش را اعلام کنید، اگر اعضای کلیسا با دیدن کار خدا به شوق بیایند، اگر برنامه کلیسا طوری باشد که غیرایمانداران از شرکت در آن احساس راحتی کنند، اگر برای تعلیم و تربیت و اعزام ایمانداران برای بشارت برنامه ریزی کنید، مطمئن باشید مردم خواهند آمد و تعداد اعضای کلیسا افزایش خواهد یافت.

کلیسا باید چیزی به مردم ارائه دهد که آنها در جای دیگر نتوانند بیابند.

کلیسای در حال رشد پنج بُعد مهم دارد:

- ۱- دوستی، مشارکت و مصاحبت گرم
- ۲- برنامه‌سازی پر محتوا و عمیق
- ۳- برنامه پرستشی قوی

(دنباله ص ۴: کلیسای هدفمند)

عیسی هرگز سطح روحانیت را پایین نیاورد، بلکه همیشه خدمتش را از جایی که مردم بودند شروع می‌کرد. او در باره نیاز آنها سخن می‌گفت. موعظه سرکوه نمونه خوبی از نوع موعظه مسیح است.

چهارمین عقیده غلط:

رشد کلیسا فقط به تسلیم محض ما بستگی دارد

این شعار بسیار روحانی است، اما در عمل کاری صورت نمی‌دهد. اکثراً در کنفرانسهای خادمین می‌شنویم که گفته می‌شود: «اگر زیاد در دعا بمانید، خود را کاملاً وقف خدا کنید، کلام را موعظه کنید،

رسالات او متوجه این واقعیت می‌شویم: «به حسب فیض خدا که به من عطا شد، چون معمار دانا بنیاد نهادم» (اول قرنتیان ۳: ۱۰). منظور از دانا، ماهر و اهل فن است. اومی دانست چه وسایلی را برای بنای کلیسا بکار برد. خدمت کلیسایی در ضمن به زراعت نیز تشبیه شده است. زراعت نیز از آن شغل‌هایی است که احتیاج به فن دارد.

واقعیت این است که کلیساها به قدرت خدا و با کوشش افراد هنرمند و اهل فن رشد می‌کند. در امر بنا و رشد کلیسا، ماهمه همکاران خدا هستیم (اول قرنتیان ۳: ۹).

(دنباله در شماره بعد)

آنگاه کلیسایان رشد خواهد کرد.» این نوع موعظه‌های کلیشه‌ای جز اینکه در شبانان احساس گناه بوجود آورد، نتیجه دیگری ندارد.

من شبانان زیادی را می‌شناسم که زندگی‌شان وقف خداست، کلام را موعظه می‌کنند، زیاد دعا می‌کنند، اما کلیسایشان رشد نمی‌کند. این توهین است اگر بگوییم کلیسایشان بدلیل عدم تسلیم شبان به خدا رشد نمی‌کند. اینان شبانان روحانی هستند که زندگی خود را وقف خدا کرده‌اند.

علاوه بر وقف کامل به خدا، باید فنون کار را نیز یاد گرفت. با شرکت در کنفرانسهای مفید و خواندن کتابهای سودمند، می‌توان این فنون را تقویت کرد. پولس رسول فن رشد کلیسا را می‌دانست. در

(دنباله ص ۵)

● گفت و گوی انسانها در باره مسائل الهی: رساله‌ها جزو این دسته می‌گردد.

پس چطور کلام خداست؟

همه این مطالب در کتابمقدس، چه آنهایی که مستقیماً از زبان خدا خطاب به قوم اسرائیل نوشته شده، یا آنهایی که جنبه تاریخی دارند، یا آنهایی که تأملات انسانها در مورد مسائل روحانی هستند، همه تحت الهام خدا نوشته شده‌اند؛ به همین جهت، کلام خدا می‌باشد. همه اینها مطالبی هستند که خدا می‌خواهد انسانها بدانند و اراده او را از ورای آنها کشف کنند. به‌هنگام نوشته شدن تک‌تک کلمات این کتاب، روح‌القدس ناظر بر کار بود، و نویسنده را قدرت می‌بخشید که مطالب را به‌دقت ثبت کند، و او را در امر نگارش هدایت می‌فرمود.

خدا چنین مقدر فرمود که اراده خود را نه فقط به‌صورت سخنانی مستقیم خطاب به انسانها، بلکه عمدتاً از لابلای وقایع تاریخی خاص و شرایط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی قومی خاص به انسان مکشوف سازد.

تقدیر خدا چنین نبود که انسان را مخاطب سازد و بگوید: «ای بشر، بشنو! این است احکام من به تو! این است اراده من برای زندگی فردی‌ات، زندگی اجتماعی‌ات، و ... هر گاه کسی را تعمیم می‌دهی، دست راست را پشت گردن او بگذار و دست چپ را روی سینه او؛ آنگاه او را در آبی به

را ماهیت الهی/انسانی کتابمقدس می‌نامیم. کتابمقدس بدون هیچ تردیدی کلام الهامی خداست، اما در شرایط تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، و ادبی یک قوم خاص، و به زبان آنها عطا شده است.

مشکل ما در همین است!

و مشکل ما دقیقاً از همینجا شروع می‌شود. امروز یک ایماندار عادی، نه از شرایط تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، و ادبی این قوم خاص آگاهی دارد، و نه از زبان ایشان. اگر بخواهیم کلامی که خدا به «آنها» در «آن زمان خاص» و در آن «مکان خاص» و با آن «زبان خاص» فرمود، با ما نیز «امروز» در مکان و زبانی دیگر سخن بگوید، باید کاری انجام دهیم. باید با تحقیق و مطالعه، کشف کنیم که در آن زمانی که این کلام داده شد، شرایط تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، و ادبی چگونه بوده؛ باید کشف کنیم که نویسنده تحت الهام چه مقصودی داشته، و خوانندگان آن روزی‌اش آن مطلب را چگونه می‌فهمیده‌اند.

همانطور که گفتیم، این امر نیاز به تحقیق و مطالعه و آموختن دارد. مجموعه این مطالعات همان چیزی است که علم تفسیر نامیده می‌شود. خادم خدا باید با حداقل مطلوب علم تفسیر آشنا باشد. در غیر اینصورت، از کتابمقدس مطالبی استخراج خواهد کرد که هرگز مقصود نویسنده نبوده است.

(ادامه دارد)

عمق ۱۲۰ سانتیمتر فرو کن ... هر گاه کسی را تعمیم می‌دهی، آن شخص باید سیزده سال تمام داشته باشد...» چقدر راحت می‌شد اگر خدا با بشر اینچنین سخن می‌گفت. دیگر نه بحثی در باره نحوه تعمیم آب پیش می‌آمد، نه در مورد اینکه آیا ایماندار می‌تواند نجاتش را از دست بدهد یا نه. به‌راستی که چقدر همه چیز راحت می‌شد!

کلام خدا برای «آنها» و بعد برای «ما»

اما واقعیت این است که کتاب ما چنین نیست! کتاب ما راجع به این موضوع سخن می‌گوید که خدا چگونه اراده فرمود که در جهانی بت‌پرست، موهوم‌پرست، و شیطان‌پرست، قومی منحصر به فرد برای خود به‌وجود آورد تا احکام خود را در شرایط فرهنگی و اجتماعی و زبانی خاص ایشان به آنان عطا کند. ایشان می‌بایست این احکام را حفظ و به نسل‌های بعدی منتقل کنند، تا سرانجام از طریق آنان «کلمه» ابدی خدا وارد این جهان شود. تازه وقتی هم کلمه وارد جهان می‌شود، باز در چارچوب فرهنگ و تاریخ و زبان همان ملت آمد، نه به‌صورت وجودی متمایز از بقیه انسانها و نازل‌شده از آسمان، و بدون تعلق به قوم و ملتی خاص.

به عبارتی روشن و خلاصه، کتابمقدس در وهله اول کلام خدا برای مردمی در زمان و مکانی خاص، با فرهنگ و زبان و پیشینه تاریخی خاص می‌باشد. این است ماهیت کتابمقدس. در اصطلاح فنی، این

خادم و تفسیر کتابمقدس

بخش دوم: آگاهی از ماهیت کتابمقدس

نوشته آرمان رشدی

که خدا در مورد شرایط خاص تاریخی بر یک نبی مکشوف فرموده است. مثلاً رؤیای دانیال عمدتاً مربوط به بخش خاصی از تاریخ یهود می‌شود؛ بخشی دیگر نیز مربوط به آخرت است. یا نبوت‌های اشعیا عمدتاً در باره قوم اسرائیل، ملل اطراف، بازگشت قوم از اسارت، و پیشگویی‌های مسیحایی است.

● رویدادهای تاریخی: بخش عمده‌ای از کتابمقدس حاوی رویدادهای تاریخی مربوط به قوم یهود است. این رویدادها به‌منظور آگاهی ما از تاریخ یهود ثبت نشده‌اند. اهمیت کتاب‌هایی که حاوی تاریخ مقدس قوم خدا می‌باشد، در این است که کارهای خدا را در طول تاریخ برای یک قوم خاص (چه قوم اسرائیل و چه کلیسا) شرح می‌دهد. این کتاب‌ها شهادتنامه کارهای خدا در میان قوم خود می‌باشد. با مطالعه این مطالب تاریخی، پی می‌بریم که خدا در شرایط گوناگون چگونه با انسان‌ها کار کرده، چگونه اراده خود را برای آنها مکشوف کرده، چگونه آنها را مورد لطف قرار داده یا تأدیبشان کرده‌است. از لابلای این وقایع تاریخ، اراده خدا را برای زندگی خود می‌توانیم الگووار درک کنیم.

● دعاها و تأملات انسان در باره مسائل الهی و امور زندگی: در کتابمقدس چندین کتاب به این مطالب اختصاص دارد؛ این کتاب‌ها عبارتند از ایوب، مزامیر، امثال، جامعه، و غزل غزل‌ها. مطالب این کتاب‌ها سخنان خدا به انسان نیست، بلکه بر عکس، سخنان انسان به خدا یا تفکرات انسان در باره مسائل روحانی است.

(ادامه در ص ۸)

تفسیر درست کتابمقدس باشد. اما پیش از اینکه این ابزارها را مورد مطالعه قرار دهیم، باید نخست شناختی درست از ماهیت کتابمقدس داشته باشیم.

ماهیت کتابمقدس

یک مسیحی پروتستان محافظه‌کار ایمان دارد که تمامی کتابمقدس کلام و مکاشفه خداست و تحت الهام الهی با قدرت روح‌القدس نوشته شده است.

اگر از یک ایماندار خوب بپرسید که کتابمقدس چیست، فوراً خواهد گفت که کلام خداست. می‌پرسیم: «کتابمقدس به چه شکل کلام خداست؟ آیا منظورتان این است که کتابمقدس از الف تا یا سخنانی است که خدا خطاب به انسان گفته است؟»

این ایماندار اگر کتابمقدس را خوب خوانده باشد، قطعاً جواب منفی خواهد داد. حق هم دارد. کتابمقدس فقط حاوی سخنان و اوامر و احکام خدا خطاب به انسان نیست. این کتاب مطالب گوناگونی دارد که می‌توان به‌طور کلی به شکل زیر طبقه‌بندی کرد:

مطالب مختلف کتابمقدس

● بخشهایی که حاوی احکام مستقیم خدا به انسان است. برای مثال، ده فرمان موسی، احکام شریعت در کتاب لایوان، بخشهایی از کتب انبیا و مکاشفه جزو این بخش است. این احکام عمدتاً شامل مواردی است که قوم اسرائیل می‌بایست در زمان و مکانی خاص رعایت می‌کردند.

● رؤیایها و نبوت‌ها: اینها مطالبی هستند

در شماره گذشته، بحث در مورد علم تفسیر و علت نیاز به آن را آغاز کردیم. ابتدا گفتیم که تفسیر کتابمقدس پیش از هر چیز یعنی «کشف معنی ساده و روشن متن»، معنایی که مقصود نویسنده بوده، و مخاطبین اولیه او نیز مقصودش را به همان صورت درک می‌کرده‌اند. در واقع، مهم‌ترین وظیفه تفسیر، پیدا کردن معنی اولیه آیات است. این عمل را در اصطلاح فنی، تأویل (exegesis) می‌خوانیم. کشف معنی یا پیام یا کاربرد این آیات برای امروز ما، گام دیگری از کار تفسیر است که آن را «تعبیر» می‌نامیم.

اما گفتیم که ممکن است عده‌ای از مسیحیان سؤال کنند که «معنی روشن و ساده متن را آنطور که مقصود نویسنده بوده، آیا نمی‌توان فقط با خواندن درک کرد؟» عده‌ای دیگر نیز ممکن است بپرسند: «مگر روح‌القدس معنی کلام را برای ما مکشوف نمی‌کند؟»

پاسخ به این سؤالات مثبت است. اما آنچه که در عمل مشاهده می‌کنیم، این است که بعضی از رهبران مسیحی با نهایت صداقت برداشتی از کلام می‌کنند، یا می‌گویند که مکاشفه‌ای از روح‌القدس در خصوص یک آیه دریافت کرده‌اند، که با درک و برداشت مسیحیان دیگر متفاوت است. در این زمینه، به بخشهایی از کتابمقدس اشاره کردیم که کلیساهای مختلف آنها را به‌گونه‌های مختلف برداشت یا تفسیر می‌کنند. دقیقاً در اثر همین عامل است که در دنیای پروتستان، شاهد به‌وجود آمدن این همه کلیساهای فرقه‌های مختلف می‌باشیم. همه اینها نشان می‌دهد که خادم خدا باید مجهز به ابزارهایی دقیق برای

آماده شدن برای تعمید

از کشیش ایرج همتی

۴- کتاب مقدس و اهمیت آن در زندگی روحانی ایماندار

موضوع دیگری که یک ایماندار جدید بایستی بپذیرد، همانا اهمیت کتاب مقدس بعنوان یک کتاب راهنمای مطلق و تصورناپذیر برای تمام امور زندگی است (دوم تیموتاؤس ۳:۱۶). چون ایمان ما توسط شنیدن کلام، و آن هم شنیدن کلام زنده خدا یعنی کتاب مقدس بوجود می‌آید، یک ایماندار باید اهمیت حقایق کتاب مقدس را با خاطر جمعی بپذیرد و از آن بعنوان غذای روحانی روزانه استفاده کند. اشتیاق برای خواندن و صحبت کردن درباره کلام خدا یکی از علائمی است که نشان می‌دهد شخص ایماندار در حال رشد روحانی است و برای شرکت در مراسم تعمید آماده می‌شود.

۵- دعا و ارتباط شخص ایماندار با خدای زنده

جالب است که با اینکه اکثر عزیزان ایرانی با نماز و دعا آشنا هستند، ولی چون اغلب فقط لغاتی را حفظ کرده و از بهر تکرار می‌کنند، هنگامی نیز که تولد تازه به دست می‌آورند، احساس می‌کنند که نمی‌توانند همانند بقیه مسیحیان دعا کنند و یا عقیده دارند که دعایشان چندان مؤثر نخواهد بود. پس باید مقداری تعلیمات کلی درباره دعا در دسترس یک نوایمان قرار داد و به او گفت که رابطه ما با خدای زنده احتیاج به وقت معین و تشریفات مخصوصی ندارد و خدا می‌خواهد که دعا در زندگی ما جایگاه مهمی داشته باشد (اول تسالونیکیان ۵:۱۷). همانطور که وقتی کتاب مقدس را می‌خوانیم خدا با ما صحبت می‌کند، ما هم در دعا (ادامه در ص ۷)

نفسانی و طبیعت روحانی) در فعالیتند (غلاطیان ۱۶:۵-۱۷) و او برای رشد روحانی احتیاج به کمک دارد.

۲- تضمین ابدی نجات و اطمینان شخص ایماندار

موضوع مهم دیگری که یک ایماندار جدید بایستی از آن آگاه باشد این است که این حیات جاودان و تولد تازه را او با سعی و فعالیت شخصی خود بدست نیاورده و این خدای پر محبت است که این ایمان و نجات را به عنوان هدیه به او عطا کرده است و این بخشش خداست (افسیسیان ۸:۲-۹). بنابراین هیچ چیز نمی‌تواند او را از محبت خدا در عیسی مسیح جدا سازد (رومیان ۸:۳۵-۳۹). در اثر این تولد نو، روح مقدس خدا حالا در او ساکن شده و او دیگر نباید تسلیم خواهشهای نفسانی شود، بلکه باید با روح القدس همکاری کرده تا رفته رفته به معرفت کامل خدا برسد (کولسیان ۳:۱۰).

۳- شخصیت روح القدس و رابطه ایماندار با او

خوب است که یک ایماندار جدید آشنایی کلی درباره تثلیث اقدس داشته باشد و آیاتی که پدر، پسر و روح القدس را همزمان قید می‌کنند، قبل از تعمید خوانده باشد (متی ۳:۱۶-۱۷؛ اعمال رسولان ۵:۳۰-۳۲؛ اول قرنتیان ۱۲:۴-۶؛ افسسیان ۲:۱۸؛ اول پطرس ۱:۲؛ مکاشفه ۵:۳-۶). او بایستی بداند که حضور روح القدس در او در واقع مَهر مالکیت خدا بر اوست (افسیسیان ۱:۱۳) و این روح القدس است که او را در رشد روحانی کمک می‌کند و حقایق کتاب مقدس را برای او آشکار می‌نماید. نهایتاً خدا همیشه با اوست و او را هیچ وقت تنها نمی‌گذارد، چون وجود او معبد روح القدس است و او در آن ساکن می‌باشد (اول قرنتیان ۶:۱۹).

موضوع تعمید در مسیحیت، با اینکه عملی ساده بنظر می‌آید، دارای معانی بسیار عمیقی است که بایستی هم برای تعمیددهنده و هم برای تعمیدگیرنده کاملاً روشن شده باشد تا با اطمینان خاطر، آنچه که کلام خدا می‌گوید و آنچه در شأن کلیسا هست، انجام شود.

یکی از وظایف بسیار حساس یک کشیش و شبان کلیسا این است که پیام نجات بخش انجیل عیسی مسیح را به حق جویان رسانده، آنها را در جهت رشد روحانی تعلیم دهد. بعد از اینکه شخص با ایمان به عیسی مسیح تولد تازه می‌یابد، مهم‌ترین قدم بعدی تعمید است. من شخصاً مسأله تعمید را بسیار جدی گرفته، سعی کامل خود را به کار می‌برم تا موضوع تعمید برایشان کاملاً روشن شود و آنها با آگاهی کامل در این مراسم شرکت کنند. پیشنهاد من در مورد تعمید این است که در انجام این آئین اصلاً عجله نشود. نهایتاً چون برای دریافت حیات جاودان تعمید ضروری نیست ولی برای رشد روحانی و خدمت ضروری است، خوب است که نکات زیر قبل از تعمید در نظر گرفته شود:

۱- معنی نجات و تحولی که در ایماندار رخ می‌دهد

بیش از هر چیز دیگر سعی کنید که شخص متوجه گناهکار بودن خود بشود (رومیان ۳:۲۰)، و عاقبت زندگی بدون نجات (رومیان ۶:۲۳)، و ناتوانی در پاک کردن خود از گناه را بپذیرد (غلاطیان ۲:۱۶). و بعد سعی کنید برای او روشن کنید که او حالا با خدای زنده توسط عیسی مسیح رابطه شخصی و پدر-فرزندی برقرار کرده و از امتیازاتی برخوردار است که مختص آنانی است که تولد تازه دریافت کرده‌اند (یوحنا ۱:۱۲-۱۳). در ضمن یک ایماندار جدید بایستی متوجه باشد که در وجود او، همزمان دو طبیعت مخالف (طبیعت

طرح کلی برای تهیه موعظه

از ت استیوارت

از قبر خالی به قلب خالی

متی ۱:۲۸-۱۰

● پطرس در قلب خود احساس شکستگی می‌کرد (یوحنا ۱:۲۱-۱۹)

۳: چه چیزی می‌تواند به زندگی معنای جدیدی ببخشد

● سلام خداوند قیام‌کرده: پیام آرامش و سلامتی (متی ۹:۲۸)

○ او گذشته ما را پاک می‌سازد (اول قرنتیان ۳:۱۵)

○ او خلأ قلب ما را با شادی پرستش پر می‌سازد (متی ۹:۲۸)

● تسلی خداوند قیام‌کرده: «مترسید» (متی ۱۰:۲۸)

○ او زندگی جدیدی می‌بخشد (افسیان ۱:۱۹-۲۰)

○ او قدرت مرگ را در زندگی مان نابود می‌سازد (اول قرنتیان

۵۴:۱۵)

۱: مقدمه

روزی که عیسی جان سپرد، چیزی در وجود شاگردان مرد، زیرا او برای هر یک از ایشان اهمیت خاصی داشت. مرگ او سبب شد که ایشان احساس خلأ کنند. شما هم ممکن است در زندگی‌تان احساس خلأ کنید. در عید قیام امسال، خداوند زنده می‌خواهد خلأ قلب شما را پر سازد.

۲: زندگی بعضی‌ها مانند خبر قالی است

(نگاهی به سه شاگرد و خلأ درونی‌شان بیندازیم)

● مریم مجدلیه در قلب خود احساس تنهایی می‌کرد (یوحنا

۱۸-۱۰:۲۰)

● توما در قلب خود احساس شک می‌کرد (یوحنا ۲۰:۲۴-۳۱)

امیدوارم که توضیحات بالا کمکی باشد برای خادمین عزیز که ایمانداران را برای تعمید آماده می‌کنند.

(یک سری دروس مقدماتی درباره موضوع‌های ذکر شده در بالا تهیه شده است و خادمین مسیح می‌توانند از آنها برای آماده کردن ایمانداران برای تعمید استفاده کنند. برای کسب اطلاعات بیشتر با نشریه شبان تماس بگیرید).

مراسم تعمید، تعلیماتی که درباره آئین تعمید باید داده شود، شامل نمونه‌های تعمید می‌گردد که همگی بعد از اعتراف ایمان به عیسی مسیح است. توضیح مختصری درباره تعمید خداوند عیسی مسیح بسیار مفید است، زیرا نمونه‌ای است عالی از شهادت توسط تعمید در ملاء عام بخاطر اطاعت از کلام خدا. در ضمن، مناسب است که توضیحاتی هم درباره این مطلب داده شود که تعمید تصویری است از آنچه در درون رخ داده، و متحد شدن ما در مرگ، دفن، و رستاخیز عیسی مسیح (رومیان ۴:۳-۴).

(دنباله ص ۶)

با خدای زنده صحبت می‌کنیم. یادآوری کنید که دعا فقط در خواستهای شخصی نیست، بلکه خوب است که شامل پرستش، اعتراف به گناهان، شکرگزاری و نهایتاً درخواستها باشد.

۶- منظور از تعمید و اهمیت آن در شروع خدمت

بعد از اینکه موضوع‌های بالا با وقت کافی و مناسب با شخص نوایمان مرور شد، می‌توان تصور کرد که او برای تعمید گرفتن آماده است. قبل از

مؤسسه «تعلیم» و کلیسای ایرانیان واشینگتن دی‌سی کنفرانسی در تاریخ ۱۹ الی ۲۱ ماه مه ۲۰۰۰ برگزار می‌کنند. موضوع این کنفرانس «جنگ روحانی» می‌باشد. برای اطلاعات بیشتر با مؤسسه «تعلیم» تماس حاصل بفرمایید (11 66 873-303-1+)

آموزشگاه کتابمقدس ایرانیان، واقع در کالیفرنیا، دروس الهیاتی را از طریق مکاتبه ارائه می‌دهد. جهت کسب اطلاعات بیشتر با این شماره‌ها تماس حاصل بفرمایید:

تلفن: 20 83 818-992-1+

فاکس: 40 83 818-992-1+